

بعدهای کت فضل و با
باش که ازین زینر نهنگ
بیا و حسن کرس فرد
بمشاورت سبای سبک
بجوادان کلار بود
بیا و جامع قرآن سبک
بدر باقی که حیف نام او
بموی که بیشتر نام او
بسیار حرات قبول
بمقوی تفریح کرامت
بمحقق تفریح در مکتون
بلکه سکر افلم درین
بمهر خضر که کرامت

سرت

بفردی که

بفردی که کس اشرف است
بشمی کاب کورث است
بمخوی که در بیجا کام
ببدر که از در مان مال
ببکری که داد من صحت
بمقوی که چون می تو بند
بناظم را بر از جاه است
بما نقد جان با جزداد
بروین که صد سال عمر
بکا کاهی دل ندیم با نیا
ببم کعبه ما از چار حساب
بجانبه رومی بی باو
بیارای می شوق تو نو

بمضوی که با شرف است
که بفکاک سر کوفت اند
بمخوی که در بیجا کام
بمخطره از کاش مال
بمخوش را بر بوی
بمخون و دیگر وقت
بمخیز کن بمهر و شوق
بمخوش تا بخرد حساب
بمروی عالم فاند کم
بمخ کنج و قاضی با نیا
بمخود رخ تو بجهت
بمخود مردم در این باد
بمخود که خورشید از هر سر